

سَمِيعُ الْإِلَهِاتِ الْوَاحِدِ

رہم علی الشہداء علیہ السلام



الْعُقُوقُ يُعَقَّبُ الْقِلَّةَ وَيُؤَدِّي إِلَى الذَّلَّةِ.

نارضايتی پدر و مادر ،
کم توانی را بہ دنبال دارد
و آدمی را بہ ذلت می کشاند .

مسند الامام الہادی ، ص ۳۰۳



نوجوان و اوقات فراغت



حسین غفاری

شهریور ۱۳۹۶

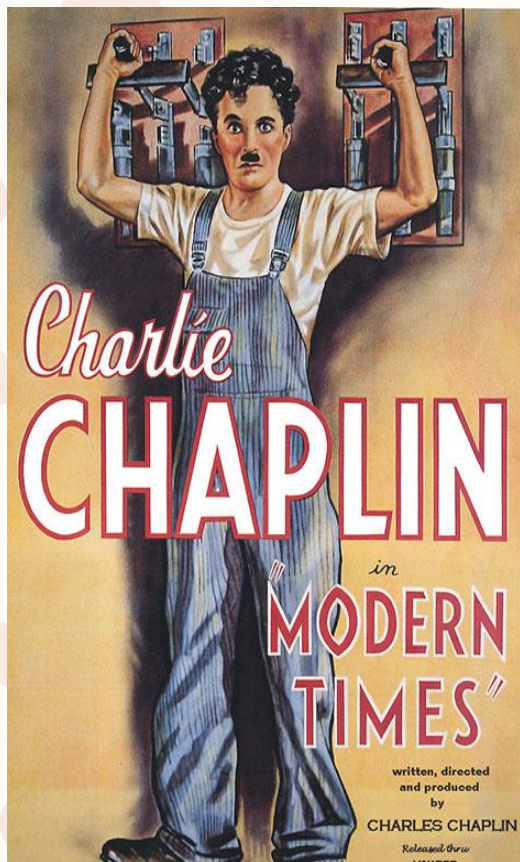
کار و فراغت در دنیای کهن

- دنیای بدون تعطیلی
- فضیلت‌مندی کار
- ناهنجاری بی‌کاری و بی‌کارگی
- کار به مثابه تفریح
- بازی به مثابه آیین



هجو دنیای صنعتی در عصر جدید

چارلی چاپلین - ۱۹۳۶ م.



زبان، تلویزیون و سینما، و اوقات فراغت

سید مرتضی آوینی، آینه جادو، جلد اول: مقالات سینمایی

– «اوقات فراغت» (Leisure Time) لفظی است که بعد از غلبه‌ی تمدن تکنولوژیک در زندگی بشر معنا و مصداق یافته است. «فراغت» کلمه‌ای نیست که بعد از ظهور تمدن ماشینی ابداع شده باشد، اما معنایی که در این روزگار یافته کاملاً تازه است.

– **اگر مفهوم «کار» در این تمدن تغییر نیافته بود، «فراغت» نیز معنای دیگری پیدا نمی‌کرد.** کارخانه قلب تمدن جدید است و لذا از قرن نوزدهم نظامی که لازمه‌ی کار کارگران در کارخانه‌ها بوده، در همه‌ی فعالیت‌های دیگر اجتماعی نیز تسری یافته است و جهان از آن پس به پیکره‌ی واحدی مبدل گشته است که نبض آن در کارخانه می‌تپد. ضرباهنگ این نبض ضرورتاً همان نظمی را یافته که با غلبه‌ی ماشین‌ساز به‌ناچار چهره نموده است و می‌تپد. دست‌های مردم سراسر جهان را به «ساعت مچی» مزین داشته.



موج سوم

الوین تافلر (۱۹۲۸ تا ۲۰۱۶ م.)



– گسترش تولید کارخانه‌ای، قیمت گزاف ماشین‌آلات و وابستگی متقابل کار ضرورت همزمان‌سازی دقیق‌تری را مطرح ساخت. اگر گروهی از کارگران در کارخانه‌ای در انجام کاری تأخیر می‌کردند کار سایر کارگران که در رده‌های پایین خط تولید بودند به تعویق می‌افتاد. بنابراین **وقت‌شناسی که در جوامع کشاورزی از چندان اهمیتی برخوردار نبود به صورت یک ضرورت اجتماعی درآمد.** بر تعداد ساعتهای دیواری و مچی روز بروز افزوده گردید. در سال ۱۷۹۰ تقریباً در هر جایی در بریتانیا این ساعتهای مشاهده می‌شد. پخش این ساعتهای به گفته‌ی مورخ بریتانیایی تامپسون، «درست در لحظه‌ای وقوع یافت که تمدن صنعتی همزمان‌سازی بیشتری را در کار لازم می‌داشت.»

– تصادفی نبود که در فرهنگهای صنعتی زمان را در سنین پایین به کودکان آموختند. شاگردان که با شنیدن صدای زنگ به مدرسه وارد می‌شدند بتدریج به این صدا «شرطی» شدند، بنحوی که بعدها هم همیشه با شنیدن صدای سوت به کارخانه یا اداره وارد می‌شدند. وظایف شغلی زمان‌بندی شده و به بخشهای متوالی که حتی تا محاسبه‌ی ثانیه‌ها بدقت اندازه‌گیری می‌شد تقسیم گردید. **«۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر»** چارچوب زمانی کار میلیونها کارگر و کارمند را تشکیل داد... ساعات معینی برای تفریح و اوقات فراغت کنار گذارده شد. تعطیلات، مرخصیها یا ساعات تنفس استاندارد در زمان‌بندی کار با فواصل معینی پیش‌بینی شد.

– کودکان سال تحصیلی را بطور همزمان آغاز می‌کردند و به پایان می‌رساندند. بیمارستانها، بیماران خود را همزمان برای صبحانه بیدار می‌کردند. وسایل نقلیه در ساعاتی از روز که شلوغ و پر رفت و آمد بود در هم می‌لولیدند. کانالهای رادیو و تلویزیون برنامه‌های سرگرم‌کننده‌ی خود را در ساعات خاصی مثلاً ساعات پربیننده و شنونده پخش می‌کردند.

کوچک زیباست (اقتصاد با ابعاد انسانی)

ارنست فردریک شوماخر (۱۹۱۱ تا ۱۹۷۷ م.)

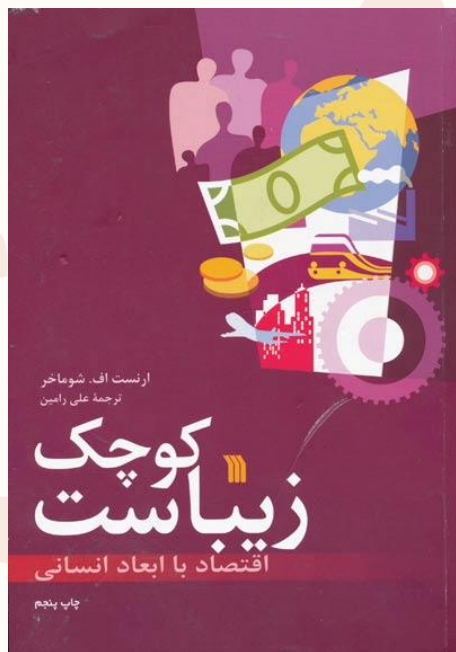
— در این زمینه، اقتصاددان جدید با این طرز تفکر بار آمده که «کار» را همچون چیزی تلقی کند که اندکی بیشتر از یک شرّ واجب است.

— از دیدگاه یک کارفرما، کار در هر مورد فقط یکی از اقلام قیمت تمام شده است...

— از دیدگاه کارگر، کار یک امر مصدع است؛

کار کردن <<<<<< فدا کردن فراغت و آسایش

دستمزد <<<<<< جبرانی برای این فداکاری



زبان، تلویزیون و سینما، و اوقات فراغت

سید مرتضی آوینی، آینه جادو، جلد اول: مقالات سینمایی



- استقبال غرب - و به تبع آنها سایر نقاط جهان - از اتوماسیون، با این اشتباه ملازمه دارد که آنها می‌پندارند که اتوماسیون و ماشینی شدن همه‌ی امور ساعات فراغت انسان‌ها را افزایش می‌بخشد و البته حتی اگر «فراغت» را به مثابه ارزشی مسلم تلقی کنیم، باز هم گسترش اتوماسیون توفیقی در این زمینه نداشته است، چرا که بجز «اربابان و حکمرانان امپراتوری ماشین»، همه‌ی زندگی انسان وقف گسترش اتوماسیون شده است - همه‌ی زندگی انسان وقف کاری شده است که قرار است کار را از میان بردارد و این یک دور تسلسل باطل است. تشنه‌ای که از آب دریا می‌نوشد تا تشنگی خود را برطرف کند، جز ازدیاد تشنگی تا حد مرگ فایده‌ای نخواهد برد، حال آنکه اصلاً **در تفکر دینی، «کار» سازنده‌ی شخصیت آدمی و نردبان تعالی اوست.**
- **همه‌ی اشتباه در اینجا است که غرب بهشت زمینی را بدل از بهشت آسمانی گرفته است** و در خیال «اوتوپیا»یی است که در آن بیماری، مرگ و پیری علاج شده و انسان می‌تواند فارغ از گذشت زمان و قهر زمانه، مرکوب مرادش را همان‌سان که نفس اماره‌اش می‌خواهد جاودانه به جولان در بیاورد، این سوی و آن سوی بتازد و از همه‌ی لذایذ ممکن متمتع شود.
- چرا غرب «توسعه و رشد» خود را با کاهش ساعات کار و افزایش اوقات فراغت می‌سنجد؟ یکی از بارزترین مشخصات جامعه‌ی آرمانی توسعه یافته از نظر برنامه‌ریزان، جامعه‌ای است که در آن کار تا حداقل ممکن کاهش یافته و متقابلاً ساعات فراغت به حد اکثر رسیده باشد؛ این از خصوصیات اصلی آن بهشت زمینی است که بشر امروز در جست‌وجوی آن است. وقتی معیار رشد، کار کمتر باشد، مسلماً بهشت جایی است که در آن اصلاً کار نباشد.

زبان، تلویزیون و سینما، و اوقات فراغت

سید مرتضی آوینی، آینه جادو، جلد اول: مقالات سینمایی



- برای غالب انسان‌ها در تمدن امروز «زندگی» تازه از هنگامی آغاز می‌شود که «کار روزانه» پایان می‌گیرد. از یک سو، «جدول زمانی واحد و همگون» برای کار در همه‌ی مشاغل، اوقات فراغت را به ساعات خاصی از شبانه‌روز محدود کرده است و از سوی دیگر، طرز تلقی انسان امروز از کار باعث شده است تا او معنای جدیدی برای «فراغت» پیدا کند.
- همین امر که در زبان محاورات مشاغلی را که مستقیماً به نظام اداری کشور متصل نیستند «مشاغل آزاد» می‌نامند، فی‌نفسه حکایت از اکراهی دارد که لازمه‌ی کار در کارخانه‌ها و ادارات و... است. در کنار این اکراه یا شر لازم، فراغت از کار معنایی کاملاً جدید می‌یابد و علی‌الخصوص اگر توجه کنیم که چگونه بشر امروز خود را از طریق «لذت‌جویی و تمتع از حیات» توجیه کرده است، بیشتر از پیش به عمق این مصداق تازه برای لفظ «فراغت» پی خواهیم برد.

طبقه بندی عقاید و ارزش های بنیادین در فرهنگ معاصر غرب



هستی شناسی

سکولاریسم

معرفت شناسی

روشنگری

انسان شناسی

اومانیسم

صنعت لذت

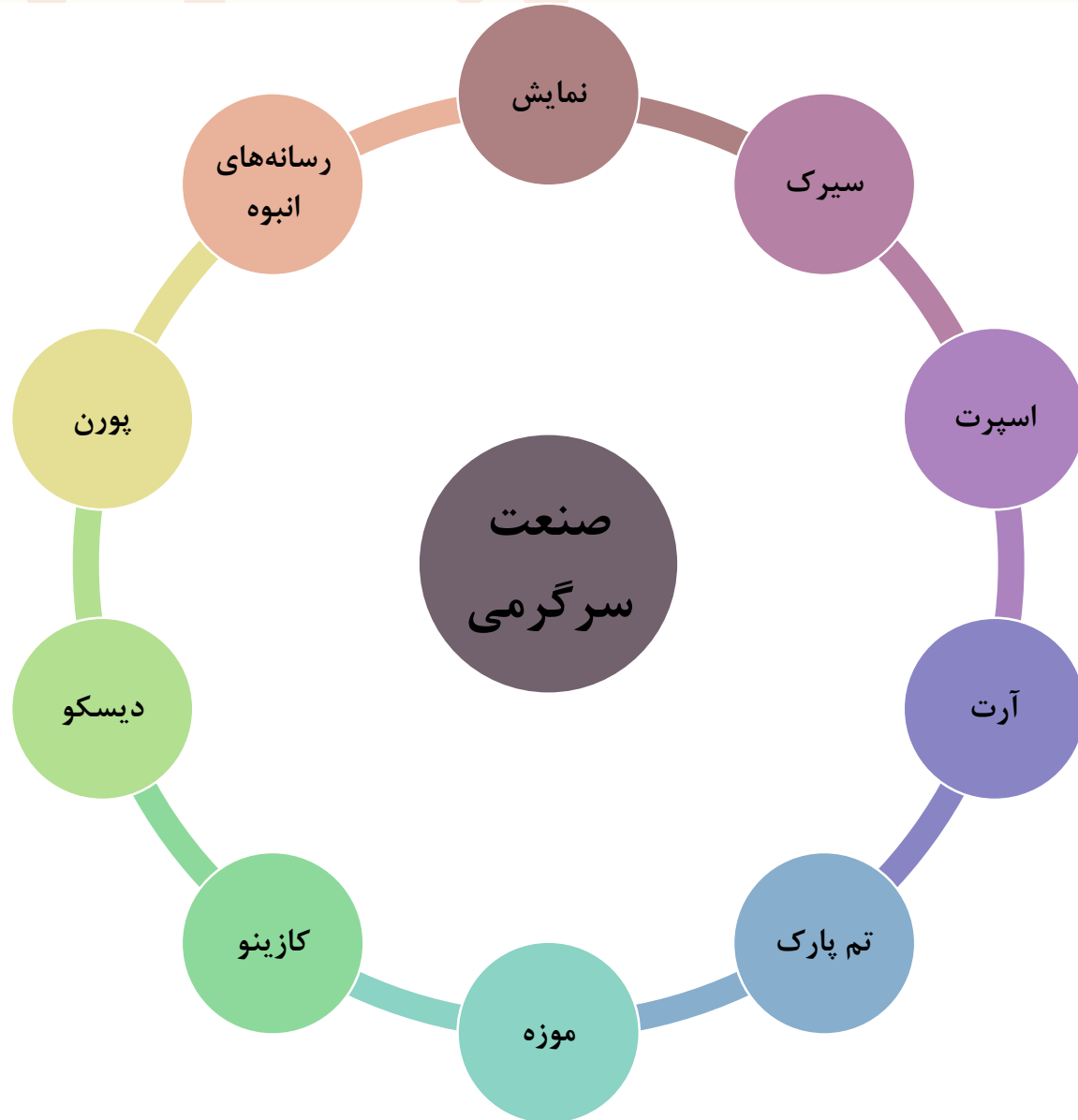


– روی دیگر سکه‌ی گریز از کار، لذت طلبی لجام گسیخته‌ای است که حد و مرزی نمی‌شناسد. در جامعه‌ی کنونی غرب «**اصل لذت**» چون **حق مسلمی برای عموم انسان‌ها** اعتبار شده است و متناسب با این حکم، «نظامات قانونی» به صورتی شکل گرفته که در آن «امکان اقناع آزادانه‌ی شهوات» برای همه‌ی افراد فراهم باشد. لذا وظیفه‌ی رسانه‌های گروهی و مخصوصاً تلویزیون در این شرایط با فرض این مقدمات معین خواهد شد:

– ساعات فراغت از کار باید به تفریح و تفنن و لذت جویی و تمتع از زندگی اختصاص یابد.

– وظیفه‌ی سینما و بالخصوص تلویزیون پر کردن اوقات فراغت مردمی است که می‌خواهند خستگی یک کار اکراه‌آور هر روزه را از وجود خود بزدایند.

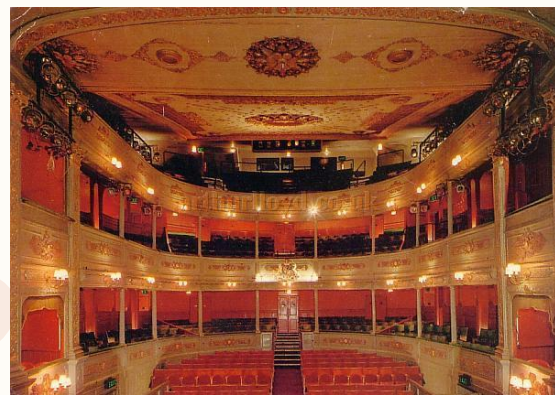
صنعت سرگرمی



فراغت بیرون از خانه



دیسکو



آمفی تیاتر



استادیوم



کازینو



سینما



گیم نت



کنسرت



شهربازی

ارباب سرگرمی

حضرت والت دیزنی



دنیای ما و دنیای آنها

عقبی

برزخ

دنیا

عالم ذر

...

دنیا

...

NEET

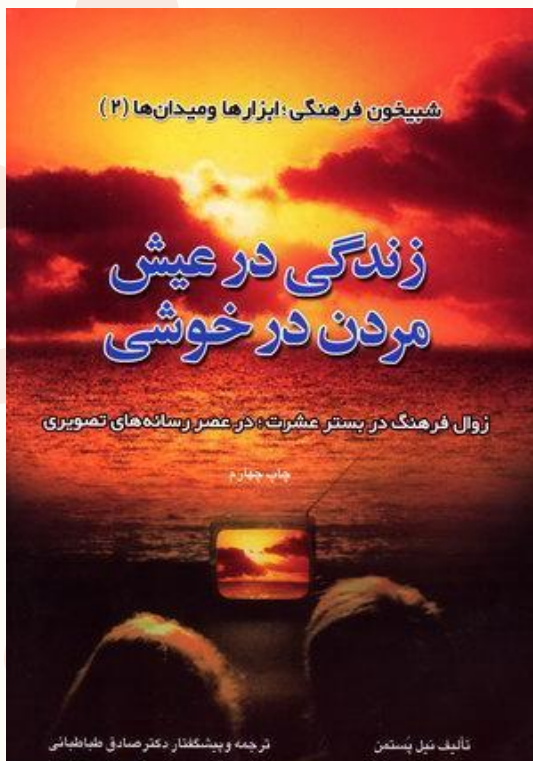
Not in Education, Employment, or Training



زندگی در عیش، مردن در خوشی

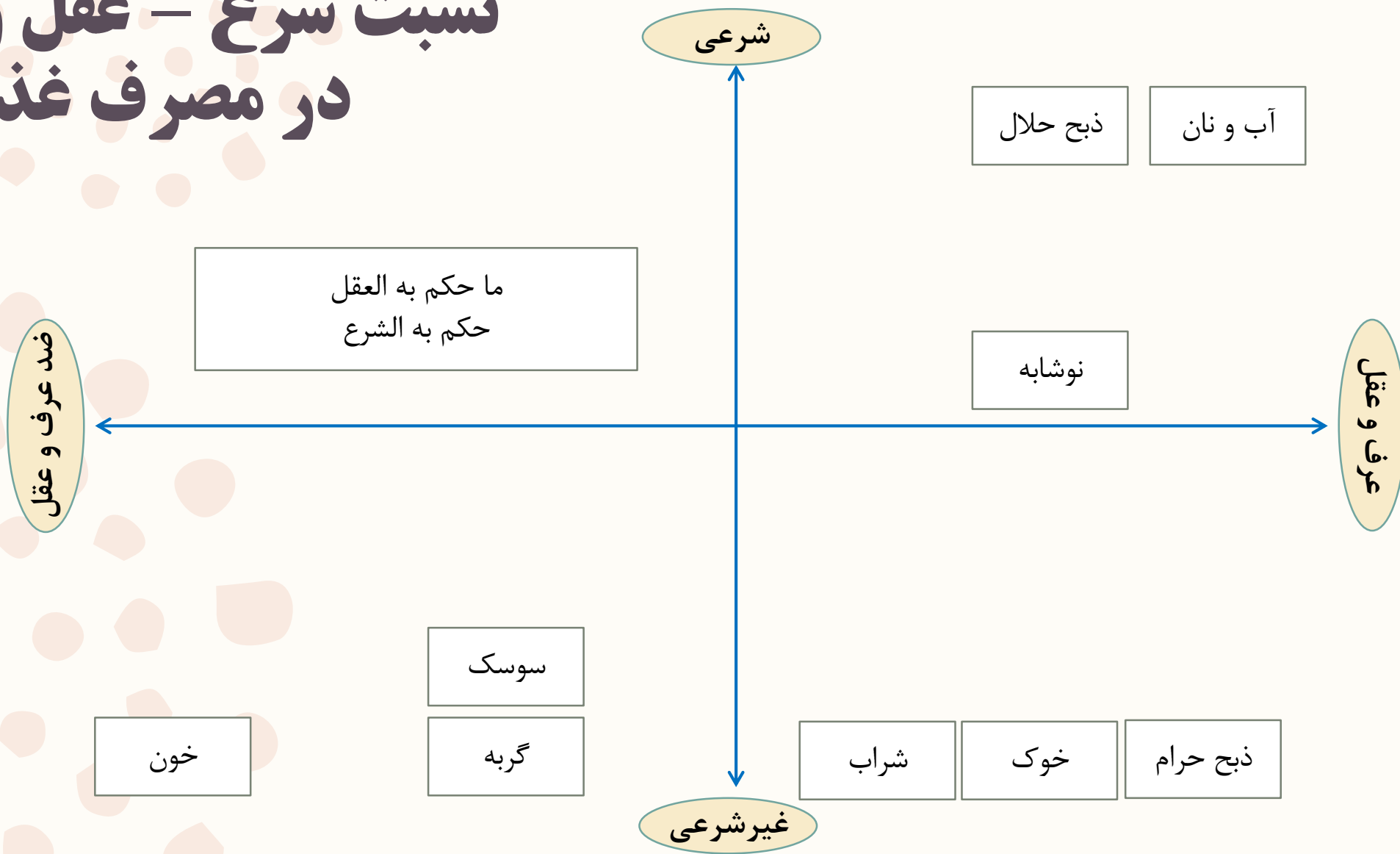
نیل پستمن

- ... اگر در اواخر سده هجدهم میلادی، بوستون مرکز تجلی روح آمریکایی و تحرکات سیاسی و اجتماعی بوده است و در اواسط سده نوزدهم نیویورک و در قرن بیستم شیکاگو، امروزه نماد و مظهر آمریکا را باید در شهری در صحرای نوادا جست به نام لاس وگاس. شهری که مرکز تفریح و قمار و خوشگذرانی است.
- برای پستمن اصلاً عجیب نیست که در آمریکای عصر او یک هنرپیشه هالیوود (رونالد ریگان) به مقام ریاست جمهوری برسد چرا که گسترش رسانه بصری تلویزیون، مردم را مبدل به موجوداتی صرفاً بصری کرده است.
- به گفته او اگر در آمریکای قدیم کاندیداهای سیاسی باید برنامه عملی و اجرایی ارائه می کردند تا پیروز شوند کاندیداهای امروز بیشتر باید در زمینه های آرایش و فنون زیبایی و تبلیغ متبحر باشند. اگر کاندیداهای گذشته به مدت هفت ساعت با هم مناظره می کردند کاندیداهای امروز کافی است چند دقیقه با هم گفتگو کنند و لبخندها و لباس و آرایش و حالات چهره شان را به رخ هم بکشند. همچنین قدرت شوخی و سرگرم کنندگی آنها نیز تأثیر زیادی در پیروزی آنها خواهد داشت.

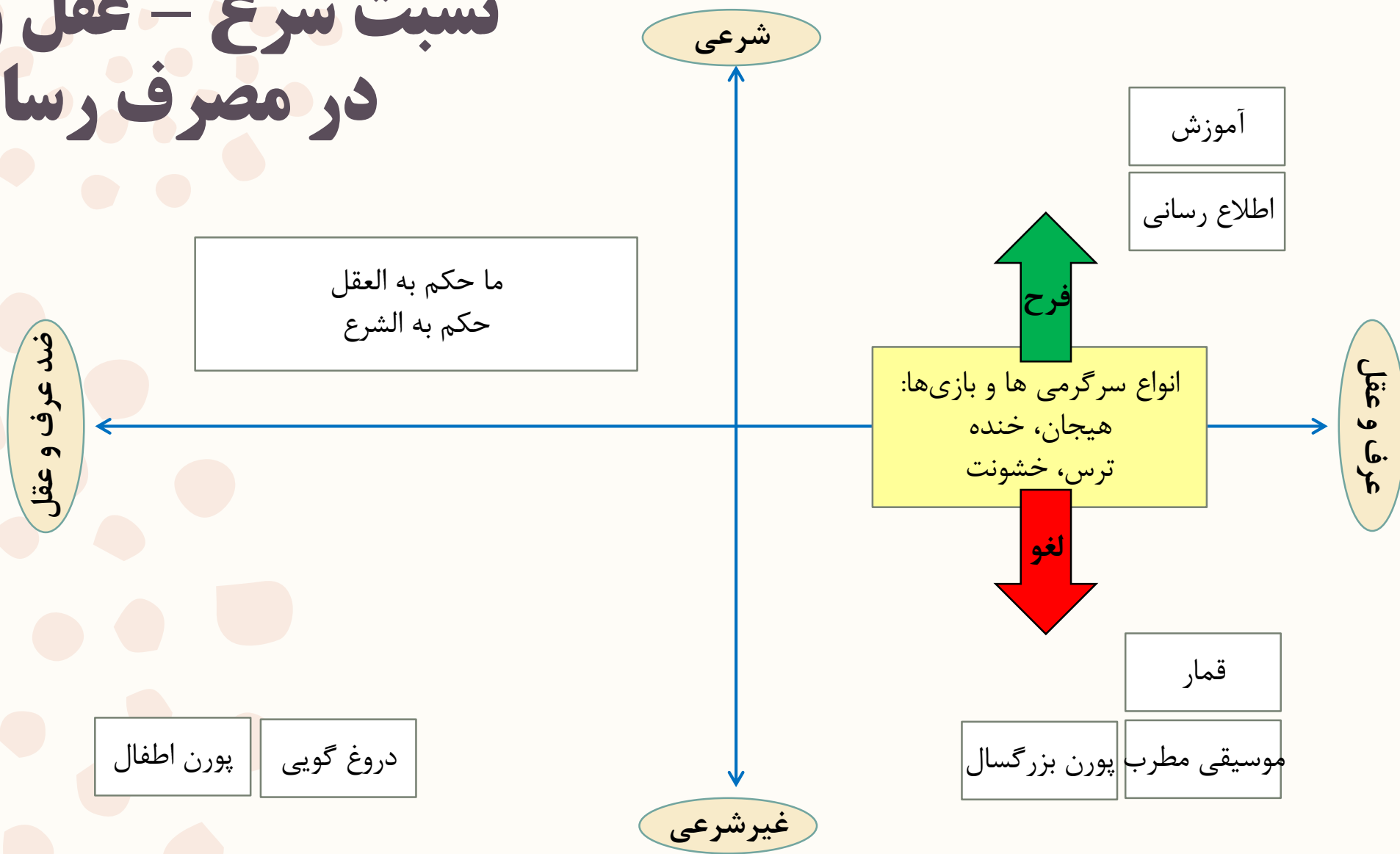


نسبت شرع – عقل و عرف

در مصرف غذا



نسبت شرع - عقل و عرف در مصرف رسانه



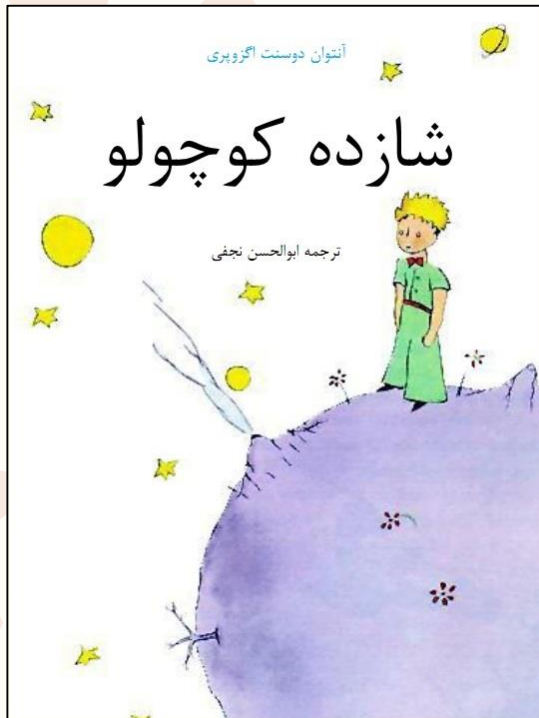
پینوکیو

کارلو کولودی – ۱۸۸۳ م.



چه باید کرد؟

شازده کوچولو و مرد می‌خواره



- چرا می‌نوشی؟
- برای فراموش کردن.
- چه چیز را فراموش کنی؟
- فراموش کنم که شرمنده‌ام.
- شرمنده از چه؟
- شرمنده از نوشیدن!



فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾

مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾

وَلَمْ نَكُ نَطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿٤٤﴾

وَكَُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾

وَكَُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٤٦﴾

حَتَّىٰ آتَيْنَا الْيَقِينَ ﴿٤٧﴾

آن‌ها در باغ‌های بهشتند و سوال می‌کنند از مجرمان (در جهنم):

چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟

می‌گویند: ما از نماز گزاران نبودیم

و اطعام مستمند نمی‌کردیم

و پیوسته با اهل باطل همنشین و هم‌صدا بودیم

و همواره روز جزا را انکار می‌کردیم

تا زمانی که مرگ ما فرا رسید

مرگ آگاهی

نفس های انسان گام هایی است که به سوی مرگ بر می دارد.



حضرت علی (ع) سخنانی از این دست که مالا مال از مرگ آگاهی باشد بسیار دارند.

مرگ آگاهی کیفیت حضور مردان خدا را در دنیا بیان می دارد. تا آنجا که هر که مقربتر است مرگ آگاه تر است. و بر این قیاس باید چنین گفت که حضور علی علیه السلام در عالم، عین مرگ آگاهی است. مرگ آگاهی یعنی که انسان همواره نسبت به این معنا که مرگی محتوم را پیش رو دارد آگاه باشد و با این آگاهی زیست کند و هرگز از آن غفلت نیابد.

مردمان این روزگار سخت از مرگ می ترسند و بنابراین شنیدن این سخنان برایشان دشوار است. اما حقیقت آن است که زندگی انسان با مرگ در آمیخته است و بقایش با فنا. پیش از ما میلیاردها نفر بر روی این کره ی خاکی زیسته اند و پس از ما نیز...

لَوْ عَرَفُوا مَا يُؤَدِّي إِلَيْهِ الْمَوْتُ مِنَ النَّعِيمِ لَأَسْتَدْعَوْهُ وَأَحْبَبُوهُ أَشَدَّ مَا يَسْتَدْعَى الْعَاقِلُ الْحَازِمَ الدَّوَاءَ لِدَفْعِ الْآفَاتِ



اگر مردم می دانستند مرگ چه نعمتی در پی دارد هر آینه آن
را طلب کرده و بیش از انسان عاقلی که دوا را برای مداوای
دردش دوست دارد، دوست می داشتند.

معانی الاخیار، ص ۲۹۰

عَلَيْهِ السَّلَام

السَّلام عَلَيْكَ يَا أَمَامَ

ahlolbait.com



از سر نوشت

AzSarNevesht.ir

حُسَيْن
غفاری

